

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسئله شیر دادن زنان و خوردن اطفال اینک مرقوم فرموده بودید که علامه
اعلی الله مقامه در کتاب تبصرة فرموده **لا تحرم امه ام الولد من الرضاع**
وان حرمت من النسب که معنای این عبارت چیست ؟ پس احقر دعاگو
قبل از بیان این کلام عرض میکند که خداوند تعالی در آیه شریفه در
محرمات نسبی هفت نفر زن را حرام فرموده که امهات و بنات و اخوات

و عمت و خالات و نبات اخ و نبات اخوات باشند و در احادیث صحیحه بسیار محرّمات رضاعی را مثل نسبی قرار داده چنانکه در کتاب فقیه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده **یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب** یعنی حرام میشود از زنان از جهت شیر دادن آن زنانیکه حرام میشود از جهت نسب در کافی و تهذیب در حدیث ابن سنان از حضرت صادق علیه السلام است که حرام میشود از جهت شیر آنچه حرام میشود از جهت قرابت و در کافی و مقنع و مقنعه از ابن سرحان از آنحضرت که حرام میشود از جهت شیر آنچه حرام است از جهت نسب و در کافی و تهذیب از آنحضرت که حرام میشود بسبب شیر آنچه حرام میشود از نسب و در کافی و تهذیب از ابن زراره از آنحضرت که آنچه حرام میشود از نسب پس همان زنان حرام میشود از شیر و در تهذیب از ابن سنان از آنحضرت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده حرام میشود از شیر آنچه حرام میشود از نسب و ایضاً در تهذیب از آنحضرت که حرام میشود از شیر آنچه حرام میشود از نسب و ایضاً از حلی از آنحضرت که حرام است از شیر آنچه حرام است از نسب و ایضاً از ابن سنان از آنحضرت که حرام میشود از شیر آنچه حرام میشود از قرابت و از ابن عیسی از حضرت کاظم علیه السلام که حرام است از شیر آنچه حرام است از نسب و غیر از اینها از احادیث صحیحه کثیره در کتب اربعه در اینمضمون پس این قاعده کلیه شد و از جهت کثرة وصحت اینها قطعی و یقینی گردیده که آن هفت نفر زنانیکه در نسب حرامند پس همان زنان در شیر حرام است یعنی مادر رضاعی و دختر رضاعی و خواهر رضاعی و

عمه و خاله رضاعی و دختر خواهر و دختر برادر رضاعی و غیر از این هفت نفر کسی دیگر را در این احادیث صحیحه و در این قاعده کلیه از جهت شیر حرام نفرموده و محرمات نسبی و رضاعی منحصر گردیده باین هفت نفر زن و از جهت مصاهرت نیز در آیات شریفه پنج نفر از زنان را حرام فرموده زن پندرو زن پسر و مادر زن و دختر زن مدخوله و خواهر زن در صورت جمع در میان دو خواهر و بغیر از این پنج نفر کسی دیگر بسبب نکاح حرام نشده و محرمات رضاعی را در احادیث سابقه تشبیه کرده بمحرمات نسبی نه بمحرمات از جهت مصاهرت پس از رضاع از جهت شباهت بمصاهرت چیزی حرام نشده و فقط حرمت رضاعی در شباهت حرمت نسبی دارد بصریح احادیث مذکوره و قاعده قطعیه وارده پس فرمایش مرحوم علامه که حاصل آن اینست که حرام نمیشود مادر رضاعی اولاد صحیح است زیرا که مادر مادر رضاعی اولاد بخود اولاد حرام است از جهت رضاع چنانکه مادر مادر نسبی ولد بخود ولد حرام است و اما مادر مادر رضاعی اولاد پس از برای پدر ایشان حرام نیست و بلکه مادر رضاعی اولاد نیز بر پدر حرام نیست از جهت اینکه آن زن یکی از آن هفت نفر زنان نیست که بشخص حرامند زیرا که مادر رضاعی اولاد نه مادر رضاعی پدر است و نه دختر و نه خواهر و نه عمه و نه خاله و نه دختر خواهر و نه دختر برادر رضاعی است زیرا که دختر مادر رضاعی اولاد نیز برای پدر ایشان حلال است زیرا که دختر همان زن بر پدر یکی از این هفت نفر محسوب نمیشود و اما آنچه فرموده **وان حرمت من النسب یعنی مادر مادر**

نسبی اولاد بر پدر ایشان حرام است پس در آن شکی نیست از جهت اینکه مادر نسبی اولاد مادر زن پنداست و مادر زن بصریح آیه **وامهات نساکم** حرام شده از جهت مصاهره نه از جهت نسب در میان مادرزن و شوهر دختر زیرا که مادرزن نه مادر پدر اولاد است و نه دختر و نه غیر از اینها از محرّمات نسبی و رضاعی پس مادر مادر رضاعی اولاد نه از جهت نسب و نه بسبب رضای و نه بجهت مصاهره حرام نیست و اما مادر مادر نسبی اولاد پس برای پدر حرام است از جهت اینکه مادر زن است و مراد مرحوم علامه از آن عبارت همین است و اشکالی ندارد و در نظر احقر بغیر از این هفت نفر از محرّمات رضاعیه چیزی دیگر حرام نیست زیرا که احادیث مذکوره اعطاء قاعده کلیه نموده و این احادیث بطریق یقین وارد شده و در بعض اخبار حرمت چیز دیگر نیز وارد است مثل اولاد صاحب لبن و اولاد زن شیر دهنده با اولاد شخص و لکن این نحو اخبار اولاد قطعی نیست و بصریح حدیث صحیح زراره یقین را نباید بدون یقین دیگر نقض نمود و بلکه یقین را باید با یقین دیگر نقض کرد نه با شک و ظن و ثانیاً آن اخبار محمول است بر تقیه و زمانیکه احتمال تقیه قائم شد در خبری پس بآن خبر عمل نمیشود و لکن جمعی از علماء از این دو مطلب غفلت کرده و علاوه بر این هفت نفر رضاعی چیزی دیگر را نیز حرام فرموده و از حدیث زراره و غیر آن از احادیث صحیحه و از این قاعده قطعیه اعراض کرده و بلکه از قاعده مسلم اصولیه که اصل در اشیاء حلیه است اغماض نموده و اعتماد بظن کرده و حال آنکه در سوره

یونس و نجم از عمل بظن منع فرموده که ان الظن لایغنی من الحق شیئا بلی اگر یکدلیل قطعی قائم شد و احتمال تقیه در آن نگردید بر اینکه بغیر از این هفت نفر مذکورین کسی دیگر نیز حرام میشود از جهت رضاع البته قبول است و لکن این نحو دلیل یقینی پیدا نشده و آنچه وارد است ظنی و احتمال تقیه دارد در مقابل قائده و احادیث قطعیه پس محرمات رضاعیه منحصر گردید بر همان هفت نفر که در نسب حرام است با وجود شرایط معتبره در رضاع شرط اول شیر خوردن طفل است از پستان نه با دوشیدن و بطفل خوراندن دویم خوردن شیر از یک نفر زن پانزده دفعه متوالی بدون فاصله بودن شیر زن دیگر در میان پانزده عدد و یا یک شبانه روز بدون فاصله شیر دیگری سوم شیر شدن طفل در هر دفعه چهارم بودن طفل شیر خوار قبل از اتمام دو سال نه بعد از دو سال و بودن شیر زن قبل از دو سال از زائیدن او پنجم بودن شیر از ولادت نه اینکه شیر خود بخود بیاید ششم اتحاد شوهر زن شیر دهنده پس اگر یک نفر زن از شیر شوهرش بدختری شیر بدهد و دو مرتبه از شیر شوهر دیگری بر پسری شیر دهد با شرایط مذکوره پس آن دو طفل برادر و خواهر رضاعی میشوند از جهت اینکه شوهر زن شیر دهنده متعدد شده و بر هر یکی از این دو شرط احادیث کثیره وارد شده و تفصیل اینها را احقر در کتاب اساس الاسلام ذکر کرده و هر که تفصیل را خواسته باشد آن کتاب رجوع فرماید و زیاده بر این در این مسئله محتاج بر نوشتن یک کتاب مستقل در رضاع نیست و در این مختصر ترجمه عبارت مرحوم علامه

نیز معلوم گردید و رفع اشتباه شد .

حرره الاحقر الارومی عرب باغی

« (غره شهر ربیع المولود ۱۳۴۴) »